

دانشگاه تربیت معلم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی

عنوان :

جایگاه بیع متقابل نفتی در نظام حقوقی ایران

استاد راهنما : علی انصاری

دانشجو : خلیل آسایش

مهر ۱۳۹۰

چکیده.....	9
مقدمه و پیشگفتار.....	10
ضرورت و اهمیت طرح.....	14
فرضیه.....	14
اهداف.....	15
روش تحقیق.....	15
فصل اول: بررسی کلیات راجع به بیع متقابل.....	16
مبحث اول: تاریخچه، مفهوم و تعریف حقوقی بیع متقابل.....	16
بند اول) تاریخچه.....	16
بند دوم) مفهوم و تعریف حقوقی بیع متقابل.....	19
مبحث دوم) ویژگیها و مشخصات قرارداد های بیع متقابل.....	23
بند اول) معوض بودن.....	23
بند دوم) عقد بودن.....	25
بند سوم) لزوم.....	25

27.....	بند چهارم) منجز بودن
28.....	بند پنجم) بلند مدت بودن.....
29.....	بند ششم) سنگین بودن
29.....	بند هفتم) دو قرار داد مجزا بودن.....
31.....	بند هشتم) ارتباط تولیدی بین کالاهای صادراتی و محصولات تولید شده.....
32	فصل دوم: بررسی ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل.....
33	مبحث اول: ماهیت قرارداد بیع متقابل نفتی با توجه به قانون داخلی.....
33.....	بند اول) مقایسه با عقد بیع.....
37.....	بند دوم) مقایسه با ماده 10
38.....	بند سوم) مقایسه با معاوضه.....
40.....	بند چهارم) مقایسه با جعاله.....
44.....	بند پنجم) مقایسه با اجاره به شرط تملیک
46	بند ششم) مقایسه با بیع کالی به کالی.....

مبحث دوم: مقایسه بیع متقابل با تاسیسات حقوقی خارجی و سیستم های معاملاتی

مشابه..... 48

گفتار اول: ماهیت بیع متقابل با توجه به سیستم های معاملاتی مشابه..... 48

بند اول) قرارداد های خرید متقابل..... 50

بند دوم) قراردادهای تهاتری (barter contracts).....

52

بند سوم) قراردادهای افسست (offset contracts).....

54

بند چهارم) قراردادهای مبادله انتقالی (switch contracts).....

56

گفتار دوم: ماهیت بیع متقابل با توجه به تاسیسات حقوقی خارجی..... 59

بند اول) قرارداد مشارکت در تولید..... 59

بند دوم) قرارداد مشارکت در سرمایه گذاری..... 65

بند سوم) قرارداد های امتیازی..... 67

بند چهارم) قرارداد های خدماتی..... 70

73	بند پنجم) قراردادهای ساخت ، بهره برداری ، واگذاری
77	بند ششم) مقایسه بیع متقابل با بیع بین المللی
79	مبحث سوم: ماهیت ویژه قراردادهای بیع متقابل
81	مبحث چهارم: تبیین جایگاه قانونی قراردادهای بیع متقابل
82	بند اول) جایگاه بیع متقابل در قانون اساسی
94	بند دوم) جایگاه بیع متقابل در قانون نفت
94	الف) قانون نفت مصوب 1353 /5/8
96	ب) قانون نفت مصوب 1366
99	بند سوم) نتیجه گیری
101	فصل سوم: بررسی تشریفات انعقاد، شروط قرارداد و حقوق تعهدات طرفین
101	مبحث اول: مراحل تنظیم و انعقاد قراردادهای بیع متقابل
102	گفتار اول: روند کلی تنظیم و انعقاد قراردادهای بیع متقابل

102.....	بند اول) روند اجرایی بیع متقابل قبل از انعقاد.....
104.....	بند دوم) روند اجرایی بیع متقابل بعد از انعقاد.....
105	گفتار دوم: روند تنظیم انعقاد قراردادهای بیع متقابل نفتی.....
108.....	مبحث دوم: بررسی اهم شروط قرارداد و حقوق و تعهدات طرفین.....
108	مقدمه:.....
110	گفتار اول: شروط و مفاد و چارچوب کلی.....
110	بند اول) تعاریف و اصطلاحات و حوزه خدماتی قرارداد.....
113.....	بند دوم) شرایط اعتبار و انقضای قرارداد.....
113.....	الف) شرایط اعتبار.....
114.....	ب) شرایط انقضا.....
115.....	گفتار دوم: شروط و مفاد تفصیلی.....
115.....	حقوق و تعهدات طرفین.....
115.....	1_تعهدات و حقوق پیمانکار.....
116	1_1_تعهدات و مسئولیت ها.....

116	1_1_1 تاسیس و ثبت شعبه.....
116	2_1_1 صادرات و واردات.....
117	3_1_1 استفاده از خدمات و بخش های دولتی.....
117	4_1_1 ثبت و ضبط دفاتر حسابداری.....
118	5_1_1 استانداردهای بین المللی صنعت نفت.....
118	6_1_1 بیمه مسئولیت
119	7_1_1 آموزش و انتقال تکنولوژی و تضمین کارایی.....
120	8_1_1 فاینانس یا تأمین مالی پروژه.....
121	2_1 حقوق پیمانکار.....
121	1_2_1 برخورداری از امنیت.....
122	2_2_1 سود سرمایه گذاری.....
123	3_2_1 جبران هزینه ها.....
124	4_2_1 دریافت حق الزحمه.....
125	2_2 حقوق و تعهدات کارفرما.....
125	1_2 حقوق کارفرما.....

125	 2_1_1_حق مطالبه خسارت
126	 2_1_2_حق فسخ قرارداد
127	 2_1_3_حق الزام
128	 2_1_4_حقوق غیر مالی
130	 2_2_تعهدات کارفرما
130	 2_2_1_پرداخت هزینه به پیمانکار
131	 2_2_2_تعهدات صادراتی
133	 2_2_3_تعهدات غیر مالی
134	 فصل چهارم: بررسی و تحلیل مزایا و معایب قراردادهای بیع متقابل
134	 مبحث اول: محاسن قراردادهای بیع متقابل
135	 بند اول) حفظ مالکیت و حاکمیت ملی
136	 بند دوم) پایین بودن میزان تعهدات طرف ایرانی
137	 بند سوم) انتقال دانش فنی و تکنولوژی به کشور و آموزش نیروهای داخلی
137	 مبحث دوم: معایب قراردادهای بیع متقابل و راه حل های پیشنهادی

138	گفتار اول: معایب قراردادهای بیع متقابل
138	بند اول) صیانتی نبودن تولید از طریق بیع متقابل
139	بند دوم) کوتاه بودن قراردادهای بیع متقابل
141	بند سوم) عدم انعطاف قراردادهای بیع متقابل
142	بند چهارم) عقد قراردادهای بیع متقابل بدون مطالعه قبلی و اطلاع از نیاز مخازن
143	بند پنجم) بالا بودن نرخ بازگشت سرمایه
145	گفتار دوم: راه حل های پیشنهادی جهت رفع معایب
145	بند اول) رعایت اصول فنی، اقتصادی و منافع کشور
147	بند دوم) رعایت اصول حقوقی و منافع کشور
	بند سوم: عمل حقوقدانان، متخصصین و اقتصاددانان در انعقاد و اجرای قراردادها برای برون رفت از محدودیت ها و تنگناها
150	
152	فصل پنجم: حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد های بیع متقابل
152	بند اول) رویه معمول حل و فصل اختلافات
153	بند دوم) بررسی اصل 139 قانون اساسی
156	بند سوم) نتیجه گیری

نتیجه گیری.....160

منابع.....163

چکیده

قراردادهای بیع متقابل در سالهای اخیر به عنوان مهمترین وجه مشخصه صنعت نفت و گاز ایران درآمده و قراردادهای متعددی نیز در این خصوص با کمپانی های خارجی منعقد شده است. اتخاذ این مکانیسم معاملاتی به شکل فعلی آن را می توان مولود، محدودیت ها و الزامات قانونی، سیاسی، اقتصادی، موجود در ایران دانست که راه را بر هر گونه سرمایه گذاری خارجی بویژه در صنعت نفت و گاز کشور سد نموده اند.

بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران تا اندازه ای با مفهوم متعارف آن در تجارت متقابل بین المللی فرق دارد. بیع متقابل نفتی به لحاظ حقوقی، نوعی قرارداد خرید خدمت پیمانکاری (service contract) است که توسط طرف خارجی فاینانس یا تأمین اعتبار می شود. به موجب

این نوع قراردادهای سرمایه گذار خارجی موظف است کلیه عملیات راجع به توسعه یا بازیافت یک میدان نفتی یا گازی را با هزینه و سرمایه خود انجام دهد. فاینانس یا تأمین منابع مالی پروژه به عنوان یکی از مهمترین تعهدات مالی پیمانکار محسوب می شود، در مقابل شرکت ملی نفت تعهد می کند تمام هزینه های سرمایه ای، غیرسرمایه ای، عملیاتی و... که طرف خارجی جهت انجام عملیات مزبور متحمل شده است را با بهره مشخص و طی اقساط برابر، الزاماً از طریق نفت و یا گاز حاصله از همان حوزه عملیاتی به او بازپرداخت نماید. از مهمترین شرط مندرج در این قراردادها، شرط انتقال تکنولوژی برتر توسط طرف خارجی، آموزش نیروهای داخلی، استهلاک کلیه سرمایه و هزینه از محل تولیدات پروژه، نرخ ثابت سود و... می باشد. لازم به ذکر است که قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت و گاز جهانی اولین بار توسط ایران مورد استفاده قرار گرفته است و علی رغم انتقادات و ایرادات وارده بر این نوع قراردادها، با گذشت زمان شاهد روند کیفی آنها می باشیم بطوریکه در فرمول جدید قراردادهای بیع متقابل نوعی ضمانت اجرای ریسک و پاداش گذاشته می شود که به نفع هر دو طرف قرارداد می باشد. بر اساس این فرمول چنانچه عملیات پروژه منجر به سطح خاصی از تولید نشود پیمانکار به نسبت کاهش تولید جریمه می شود و برعکس اگر بیش از سقف مقرر تولید بکند به نسبت مازاد پاداش دریافت می کند. بنابراین از آنجا که قراردادهای بیع متقابل به عنوان یک راهکار و سیاست بلند مدت اقتصادی در برنامه توسعه کشور و به عنوان یکی از مهمترین شیوه های جلب سرمایه گذاری خارجی در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی (مصوب 1381/3/4) نیز پذیرفته شده است جا دارد تا با تجزیه تحلیل حقوقی این نوع معامله، گامی هرچند کوچک در جهت بهبود عملکرد اینگونه قراردادها در آینده و در نتیجه تأمین منافع ملی کشور عزیزمان برداریم.

مقدمه

مبادله تجاری زاییده ی نیاز های بشر است، زمانی انسان برای آنکه بتواند نیاز های خود را برطرف سازد مجبور بود که عین کالای خود را در قبال کالای دیگری به شیوه ی پایاپای مبادله نماید لیکن گسترش نیازهای متنوع بشر باعث شد که شیوه ی مبادله پایاپای جوابگو نیازهای بشر نباشد و لذا فکر ابداع پول به عنوان وسیله ای که بتواند امر تجارت و مبادله آسان سازد افتاد. به دنبال پیشرفت های مذکور و نیاز بشر به گام نهادن در قلمرو بازرگانی بین المللی، سیستم های مبادله و پرداخت شکل پیچیده ای به خود گرفت. به گونه ای که می توان داد ستد از طریق سیستم پیچیده ی بانکی و الکترونیکی را نتیجه نیاز ها و شرایط پیچیده ی زندگی بشر دانست. اما سیستم مذکور نیز با وجود سیر تکاملی آن، آن طور که انتظار می رفت نتوانست نیازهای بشر را تأمین نماید. این امر باعث شد که بسیاری از کشور ها با وجود سیر تکاملی مذکور به سوی شیوه ی تجارت دیگری روی آورند که علیرغم تفاوت ها، شباهت های بسیار زیادی با شیوه ی قدیمی معاملات پایاپای دارد به گونه ای که می توان تجارت متقابل به شیوه ی امروزی را شکل کامل تر و پیچیده تر شیوه معاملات قدیمی دانست.

در نظام اقتصاد جهانی وجود سیستم پرداخت نقد و مشکل کمبود نقدینگی ارزی مسائلی هستند که کشور های در حال توسعه را به سوی انعقاد قرارداد های بیع متقابل می کشاند و از سرمایه گذاری خارجی مفهومی متمایز از مفهوم متعارف بین المللی آن ارائه می دهد. از سوی دیگر در هر کشور با توجه به محدودیت های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی شیوه های خاصی در جلب سرمایه گذاری مورد گزینش قرار می گیرد. و این کشور میزبان است که مبنای حقوقی این سرمایه گذاری ها را تنظیم می کند.

در کشور ما نیز تأمین مالی پروژه های صنعت نفت، به عنوان سرمایه برترین صنعت کشور همواره یکی از اساسی ترین دغدغه های دولت مردان و دست اندرکاران این بخش بوده است. محدودیت حاصل از اصول 44,81,77 قانون اساسی و به تبع آن، قوانین بودجه سالانه و قوانین برنامه پنج ساله توسعه و نیز قوانین نفت به ویژه قانون نفت مصوب 1366 موجب شد تا در دهه اخیر، برای جلب سرمایه گذاری خارجی روش بیع متقابل به ویژه در بخش بالادستی نفت و گاز برگزیده و استفاده شود. عوامل مؤثر در اتخاذ شیوه بیع متقابل از نقطه نظر داخلی همان طور که گفته شد، یکی محدودیتها و الزامات قانونی است و دیگری الزامات اقتصادی منبعت از قوانین بودجه ای کشور و برنامه های کلان اقتصادی. در بعد بین المللی نیز از تحولات مهم در نقاط مختلف جهان در عرصه نفت و ضرورت تعامل صحیح و سازنده با دنیای پیرامونی نباید غافل بود. نفت فقط یک عنصر اقتصادی نیست بلکه در جهان کنونی از آن به عنوان یک متغیر سیاسی بهره می برند. روش بیع متقابل در ایران به عنوان یک شیوه سرمایه گذاری غیر استقراضی، در واقع مدل اصلاح شده بایک در سایر کشورها است که متناسب با منافع و احتیاجات کشور و ایجاد انگیزه برای شرکتهای نفتی خارجی برای آوردن سرمایه و تکنولوژی و دانش فنی خود به

ایران مورد استفاده قرار گرفته است. جالب توجه اینکه قراردادهای یاد شده از بدو استفاده مورد نقد جدی و بحث و گفتگو در محافل و مجالس مختلف علمی، اقتصادی و حقوقی قرار گرفته و با همه انتقاداتی که بر آن وارد شده، به لحاظ جایگاه قانونی ویژه آن، نسبتاً مقبولیت عام یافته است. از سوی دیگر با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی و استقبال سرمایه گذاران خارجی از مزایای حمایتی این قانون، تلاش سرمایه گذاران خارجی و مشاوران داخلی آنان در جهت تلفیق مقررات بیع متقابل با پوشش های قانونی یاد شده و نیز امکان استفاده از سایر قراردادهای، افق روشنی را در تأمین مالی پروژه های بخش بالادستی و حتی پایین دستی صنعت نفت ایجاد نموده است. اصل خدشه ناپذیر منافع کشور و ضرورت اکتشاف و توسعه میادین و ذخایر نفت و گاز و توسعه پایدار همه جانبه، ایجاب می نماید که با بررسی محدودیتها و تنگناهای قانونی و اجرایی بیع متقابل، به بحث پیرامون، ماهیت حقوقی و قراردادی و جایگاه قانونی آن پرداخت.

با توجه به مطالب پیش گفته شده نگارنده با درک اهمیت مباحث و ضرورت های کنونی کشور پایان نامه حاضر را در پنج فصل ارائه نموده است. که پس از بررسی اجمالی سابقه تاریخی قراردادهای بیع متقابل و کلیات موضوع، ابتدائاً برای تبیین ماهیت حقوقی قراردادهای یاد شده به اختصار به شرح و بحث پیرامون اقسام تجارت متقابل و مقایسه اجمالی آن با برخی تأسیسات حقوقی داخلی و خارجی پرداخته، آنگاه ماهیت خاص آن مورد توجه قرار گرفته پس از آن جایگاه اینگونه قرارداد ها در قانون اساسی و نفت نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. در فصل سوم و چهارم و پنجم در خصوص تشریفات انعقاد قرارداد های بیع متقابل، شروط قرارداد و حقوق تعهدات طرفین،

تحلیل مزایا و معایب قراردادهای بیع متقابل و راهکارهای حل و فصل اختلافات ناشی از آن به تفصیل بحث شده است. در پایان، نتیجه مباحث با پیشنهادات لازم در چند بند ارائه شده است.

ضرورت و اهمیت طرح

با توجه به اینکه ثروت نفت و گاز را می توان به عنوان تنها مزیت نسبی اقتصادی ایران تلقی نمود و توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی نیز بدون استفاده از این ثروت حیاطی ممکن به نظر نمی رسد. لذا بهره برداری و توسعه این منابع و ذخایر بویژه از طریق سیستم معاملاتی بیع متقابل در زمره سیاست ها و برنامه های بلند مدت و نهادینه کشور در آمده است. از سوی دیگر علی رغم این جایگاه و مباحث و انتقاداتی که درمورد اینگونه قراردادها وجود دارد، تحقیق و پژوهش مهمی که از دیدگاه حقوقی به بررسی و تحلیل این قراردادها به طور کامل بپردازد انجام نگرفته است. همچنین گذشته از جدید بودن موضوع، مبهم بودن و محرمانه بودن منابع و قراردادهای منعقد شده نیز بر مشکلات افزوده و در عین حال ضرورت چنین تحقیقاتی را دو چندان می سازد. بنابر آنچه گفته شد بر آن شدیم تا با بضاعت ناچیز خود گامی هرچند کوچک در این زمینه برداریم.

فرضیه

فرضیه اساسی و اصلی که ما به دنبال پاسخ به آن هستیم روشن نمودن جنبه های مختلف فنی، مالی، حقوقی این قبیل قراردادها به ویژه از جهت ارتباط آنها با حقوق و تکالیف طرفین می باشد و همچنین مشخص کردن ماهیت حقوقی، جایگاه قانونی، مقایسه با سایر قراردادها ی متداول در صنعت نفت و گاز جهانی و بالاخره تبیین دقیق و واقع بینانه مزایا و معایب مترتب بر این قالب معاملاتی در نظام حقوقی نفتی ایران از دیگر فروضات مورد بحث می باشد.

اهداف

مطابق آنچه گفتیم طبیعی است که مهمترین هدف ما در این پایان نامه پاسخ دادن به فرضیات مذکور باشد. به عبارت اخری چون رویکرد غالب ما در تنظیم مطالب این تحقیق توجه و عنایت به جنبه های کاربردی هر موضوع است، لذا تا حد امکان از ورود به مباحث تئوریک و نظری بی ربط به موضوع پرهیز شده است، اگرچه هریک از موضوعات بر مسائل مورد بحث به لحاظ اصولی تا اندازه ای مبتنی بر اینگونه مباحث نظری می باشد. بنابراین هدف ما ارائه تحقیقی است که برای دست اندرکاران و مراجع و افراد مرتبط با موضوع منبع و راهنمایی قابل استفاده باشد.

روش تحقیق

__ روش کتابخانه ای و استفاده از کتب، نشریات و رساله ها و مقالات

__ استفاده از منابع اینترنتی

فصل اول: بررسی کلیات راجع به بیع متقابل

مبحث اول: تاریخچه، مفاهیم و تعاریف حقوقی بیع متقابل

بند اول: تاریخچه

قراردادهای بیع متقابل در سالهای اخیر در صنایع نفت و گاز ایران از جایگاه ممتاز و برجسته ای برخوردار گشته اند چرا که به لحاظ محدودیت های موجود در قوانین که سد راه سرمایه گذاری خارجی شده است، از آن طریق بسته مناسب و نسبتاً مطمئنی برای طرفین قرارداد فراهم کرده است. ایران با برخورداری از 10 درصد منابع نفتی و حدود 15 تا 20 درصد منابع گاز جهان جایگاه ویژه ای در صنعت نفت و گاز جهان را داراست.

به دنبال ملی شدن صنعت نفت پس از تلاش های زنده یاد دکتر محمد مصدق، ایران شاهد امضا قراردادهای متعددی با شرکت های خارجی از جمله توافق نامه های مشارکت در تولید و قرارداد خدمت بود. نخستین قرارداد نفتی ایران در قالب قرارداد خدمت، قرارداد ششگانه

پیمانکاری میان شرکت ملی نفت ایران و شرکت های نفتی انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، کانادایی، معروف به گروه (erap) می باشد.

قانون نفت 1353 بر ملی شدن منابع نفتی تاکید کرده و تصریح می کند که هرگونه فعالیت در زمینه اکتشاف، توسعه، تولید و بهره برداری منحصراً باید توسط شرکت ملی نفت ایران انجام گیرد. در واقع این قانون دولت را مجاز نمی ساخت که مبادرت به انعقاد توافق نامه های مشارکت در تولید نماید و شرکت ملی نفت را موظف نمود تا از خدمات شرکت های ایرانی یا خارجی بر مبنای مکانیزم قرارداد خدمت استفاده نماید و به همین دلیل اوج بروز و ظهور حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز و تولیدات مربوطه را از دیدگاه حقوقی، در قرارداد خرید خدمت پیمانکاری قانون نفت 1353 می توان دید. آنچه به عنوان سابقه تاریخی اجمالاً گفته شد مربوط به قبل از انقلاب اسلامی بود.

با وقوع انقلاب سال 1357 و تصویب قانون اساسی و حاکم شدن جو انقلابی، به سرمایه گذاری خارجی به دیده تردید نگریسته شد و قانون اساسی نیز هرگونه قرارداد امتیاز و مشارکت را ممنوع دانست. به همین دلیل کمپانی ها بزرگ نفتی به سبب مخاطرات و ریسک ها ی موجود، از سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز خودداری کردند. سهمیه صادراتی ایران در اپک نیز به دلیل عدم تولید کافی کاهش یافته و به سایر اعضا واگذار شد تا اینکه قانون نفت 1366 با ابهامات فراوان به تصویب رسید. از آنجا که به موجب این قانون و همچنین محدودیت ها و الزامات مقرر در قانون اساسی، از طرف دیگر کمبود ارز معتبر جهت خرید تسهیلات و تکنولوژی جهت استخراج و بهره برداری میادین گاز و نفت، همچنین استقراض از بانک های خارجی (گذشته از مغایرت با احکام

شرع به دلیل بهره کلان و لزوم سپردن تضمینات سنگین) برای کشور غیر ممکن یا فوق العاده بود، از این رو دست اندرکاران امور به فکر نوعی تاسیس حقوقی به نام بیع متقابل افتادند که ضمن نداشتن مشکلات فوق امکان جلب سرمایه گذاری خارجی با کمترین بار مالی در سطح وسیعی در این صنعت حیاتی فراهم سازد. با تصویب این سیستم معاملاتی تا اندازه ای راه ورود سرمایه گذاری خارجی در این صنعت باز شد و قرارداد های بسیار مهم با سقف بودجه ای میلیاردی با کمپانی های خارجی منعقد گردید. اولین پروژه نفت و گاز به روش بیع متقابل مربوط به توسعه میادین سیری A و E می باشد که پس از انصراف شرکت نفتی کونوکو آمریکا به دلیل تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، با شرکت توتال فرانسه به ارزش 800 میلیون دلار در تاریخ 1374/4/22 منعقد شد.

اگر چه مطابق قانون جدید تشویق و حمایت سرمایه گذاری مصوب 1381\3\4 مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیع متقابل را نمی توان به عنوان راهکار سرمایه گذاری خارج تلقی کرد (سرمایه گذاری خارجی طبق عرف تجاری بین المللی متضمن مالکیت اداره ی انحصاری و مدت نامحدود برای سرمایه گذار خارجی است) اما حداقل می توان گفت با توجه به محدودیت های قانونی و سیاسی و اقتصادی موجود، این چهار چوب حقوقی به طور غیر مستقیم، شیوه مناسبی برای فعال سازی و جلب سرمایه گذاری خارجی در این بخش استراتژیک (نفت و گاز) به حساب می آید.

بیع متقابل در تجارت بین المللی به عنوان یکی از مهمترین اشکال و شیوه های تجارت متقابل محسوب می شود. اگر چه در صنعت نفت و گاز جهانی کاربردی محدود داشته اما در سایر

زمینه ها از قدمت و کارکرد بسیار قابل توجهی برخوردار است بطوری که نقش آن در انتقال سرمایه و تکنولوژی پیشرفته از کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه یا کمتر در حال توسعه بیش از سایر روش هاست.

بیع متقابل در ایران بر خلاف رویه متعارف آن در سطح جهان که به منظور تولید و ساخت کالاهای جدید به کار می رود در صنعت نفت و گاز ایران، برای استخراج بهره برداری و توسعه ذخایر موجود استفاده می شود لذا بیع متقابل ایران ویژگی خاصی دارد که به موجب آن سرمایه گذاری خارجی به عنوان پیمانکار، عملیات توسعه میادین نفت و گاز مکشوفه را با سرمایه فاینانس خود طی مدت معین انجام داده و با شروع تولید کلیه عملیات میدان را به شرکت نفت تحویل می دهد و در مقابل می تواند تا حداکثر 60 درصد محصول تولیدی پروژه را (نفت گاز یا مایعات گاز) به مدت 5 الی 7 سال جهت استهلاک اقساط سرمایه، هزینه ها و حق الزحمه خود به قیمت روز دریافت نماید .

بنابراین می توان بیع متقابل نفت ایران را نوعی قرارداد خرید خدمت بدون ریسک نامید که توسط سرمایه گذار خارجی طرف قرارداد فاینانس یا تأمین مالی می شود. در بیع متقابل نفت ایران معمولاً تمام شرایط مالی، فنی و حقوقی در قرارداد اولیه آورده می شود و در صورت نیاز تفصیل بر فراز شروط به عنوان ضمایم در پایان قرارداد پیوست می گردد. اما ممکن است برای فروش نفت به پیمانکار قرارداد جداگانه نیز منعقد شود که در واقع توضیح بیشتر همان شروط مندرج در قرارداد اصلی راجع به فروش و نفت و گاز حاصله است.